

آیین‌های نوروزی در فرهنگ مردم

سویل ماکویی^۱

چکیده

آیین نوروز طولانی‌ترین جشن ملی و از جمله آیین‌های ایرانی است که تا به امروز ماندگار و پایدار مانده است. آداب استقبال از نوروز که در مراسم خانه‌تکانی، نوروزخوانی، آتش‌افروزی و تهیه شیرینی‌های عید جلوه‌گر شده با مراسم سال تحویل، تدارک غذاهای عید، دید و بازدید، عیدی دادن و بازی‌ها ادامه می‌یابد و سرانجام با مراسم سیزده‌بدر به پایان می‌رسد. آداب نوروزی هرچند در برخی سنت‌ها با تفاوت‌هایی در مناطق مختلف کشور اجرا می‌شود اما عمق وجودی همه آنها مشترک و یکسان است و این امر نشان‌دهنده فراگیری این آیین در گستره ایران فرهنگی است.

کلیدواژه‌ها: نوروز، خانه‌تکانی، نوروزخوانی، هفت‌سین، تحویل سال، عیدی،

سیزده‌بدر

۱. کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی. makouee@hotmail.com این مقاله با همکاری خانم‌ها شهرزاد دوستی و رقیه حاج‌محمدیاری پژوهشگران واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات تهیه و تنظیم شده است.

مقدمه

برگزاری جشن و عید از ویژگی‌های همه جامعه‌ها است. از کهن‌ترین جشن‌ها تا جشنواره‌های امروزی، شادمانی، سور، گردهمایی، غذا دادن و نیز به فراموشی سپردن کارهای جدی از ویژگی‌ها و نقش‌های بنیادین جشن‌ها است. (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۹)

آیین نوروز ایرانیان از جمله آیین‌هایی است که علی‌رغم تغییر باورها و جهان‌بینی‌ها از یک سو و تحولات شگرف فراوان در جغرافیای زیستی از سوی دیگر همچنان تداوم و پایایی یافته است. ایرانیان چند تغییر شگرف را از ادیان پیش از اسلام تا دوره اسلامی از سرگذرانده‌اند و جغرافیای گسترده دیروز امپراتوری ایران امروزه به کشوری با مرزهای سیاسی مشخص بدل شده است. با این تغییرات این آیین‌ها همچنان نه تنها در ایران امروز که در گستره ایران فرهنگی یا تمدن ایرانی باقی مانده است و به همین جهت می‌توان گفت که این آیین، آیینی هویت‌بخش است که با ساخت دینی و ملی مردمان ایران‌زمین پیوند عمیق برقرار کرده است. انسان امروزی برای زیست در جهان کنونی و طراحی آینده خود، نیازمند شناخت گذشته است و آیین نوروز یکی از بلندترین نشانه‌هایی است که انسان ایرانی را به خاک و ریشه‌اش پیوند می‌زند.

از منظری دیگر آیین نوروز، آیینی طبیعی است؛ انسان به عنوان عنصری از این طبیعت، در دوران روز و شب و ماه‌ها و فصل‌ها دگرگونی می‌یابد و این دگرگونی وجوه فیزیکی و معنوی فراوانی دارد. نوروز در شروع بهار نویدبخش است؛ انسان‌ها در ابتدای بهار با زنده شدن طبیعت، حیاتی نو می‌یابند، با درختان سبز می‌شوند، با رودخانه‌ها جاری می‌گردند، با نسیم بهاری به جنبش درمی‌آیند و با آواز پرندگان به پرواز درمی‌آیند.

همچنین نوروز، گلوگاه دیروز، امروز و فرداهاست. گذشته به آزمون گذاشته می‌شود و روز نویی که ممکن است لزوماً یکسره همراه خوشی نباشد با امیدواری و نگاه به آینده شروع می‌شود. انسان‌ها در نوروز خود را، خانواده و اقوام، خویشتن تاریخی و روز نویی متفاوت از دیروز را می‌جویند. لباس نو، آیین‌ها و مراسم، شیرینی‌ها، هدیه‌ها و ... یادآور گذشته تاریخی انسان ایرانی است و این همه سرمایه

عظیمی است که ما را بر آن می‌دارد تا نوروز و آیین‌های آن را بهتر بشناسیم و راز ماندگاری آن را در ایران‌زمین درک کنیم.

این مقاله با این نگاه، گذری و نظری برگزیده دارد و سعی می‌کند این پیوستاری تاریخی را با جستار در اسناد واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات نشان دهد. برای رسیدن به این هدف ابتدا به طور مختصر به پیدایش نوروز اشاره می‌شود و سپس آداب استقبال از نوروز، آیین‌های نوروزی و جشن بدرقه نوروز آورده می‌شود.

پیدایش نوروز

به لحاظ قدمت تاریخی، نوروز از کهن‌ترین جشن‌های باستانی ایران است و قدمت برگزاری آن به پیش از دوره هخامنشیان، یعنی زمانی که بخش کهن اوستا، کتاب دینی زرتشتیان فراهم می‌آمد می‌رسد. واژه جشن در اوستا به معنی ستایش است و فروردین، نامی که به این جشن داده شده از واژه‌های بسیار کهن زبان پارسی است.

بی‌گمان نوروز به دوران کهنی مربوط می‌شود که خورشید نزد اقوام هند و ایرانی ایزدی بزرگ به شمار می‌رفت و آیین نوروز یکی از مراسم دینی مربوط به این ایزد بوده است. در اوستا ذکری از نوروز نیست. در اساطیر ایرانی، نوروز جشن خلقت نخستین انسان یعنی «کیومرث» است. کیومرث در کتاب‌های پهلوی نخستین بشر و در شاهنامه نخستین پادشاه ذکر شده است و بنابر این روایت، او بود که در نوروز، آیین پادشاهی را رسم نهاد. (رضایی، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

با بررسی آیین‌های مربوط به جشن‌ها در زمان ساسانیان این نتیجه حاصل می‌شود که مردم جشن نوروز را بیشتر از اعیاد دیگر عزیز و محترم می‌شمردند و مراسم مربوط به آن را با دقت به جا می‌آوردند. هر پادشاهی در این روز فرخنده، رعیت ممالک خویش را قرین خرمی و شادی می‌کرد و در این عید کسانی که کار می‌کردند دست از کار کشیده به استراحت و شادی می‌پرداختند، در روز اول، مردم صبح زود برخاسته به کنار نهرها و قنات‌ها می‌رفتند و شستشو می‌کردند و به یکدیگر آب می‌پاشیدند و شیرینی تعارف می‌کردند، شکر یا سه مرتبه عسل می‌خوردند و برای حفظ بدن از

ناخوشی‌ها و بدبختی‌ها روغن به تن می‌مالیدند و خود را به سه قطعه موم دود می‌دادند ... نوروز و مهرگان اوقاتی بودند که شاهنشاهان پیشین ساسانی بار عام می‌دادند و در این روز فرخنده پادشاهان باستانی پیشدادی مردم کشور خود را خوشوقت و شاد می‌کردند. (گرکانی، ۱۳۷۹: ۱۸۷)

همچنین نوروز در روایات اسلامی هم حضور دارد و برخی آداب به آن صبغه دینی داده است مانند قرآن گذاشتن در سفره هفت‌سین و قرائت آن در هنگام سال تحویل، غسل کردن و وضو گرفتن قبل از نشستن بر سر سفره هفت‌سین و برپا داشتن نماز.

آیین‌های نوروزی در فرهنگ مردم ایران

برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و اعتقادی هر جامعه‌ای بستگی دارد و اغلب از گذشته ناشناخته تاریخ اجتماعی و دینی بشر سرچشمه گرفته‌اند. جشن‌ها و آیین‌های باستانی سرشار از نمادها و نشانه‌هایی هستند که برای شناخت فرهنگ یک جامعه مورد واکاوی قرار می‌گیرند تا انسان امروزی بتواند با بینشی ژرف‌تر بر مشکلات فایق شود.

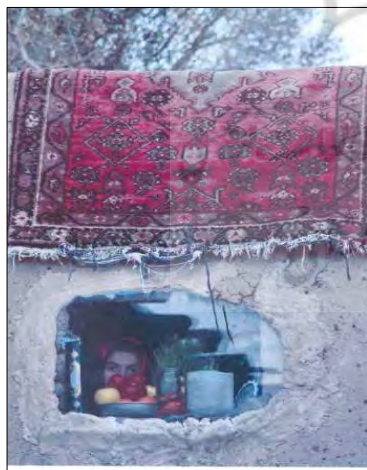
از جمله بارزترین نمونه این جشن‌ها که کارکرد اجتماعی و فرهنگی آن هنوز در سطح گسترده‌ای دیده می‌شود، جشن سال نوی ایرانی، عید نوروز است که از یک سو پیونددهنده اقوام مختلف ایرانی با یکدیگر و با گذشته مشترک آنهاست و از سوی دیگر، همه ساله فرارسیدن آن، حس پویایی و سرزندگی و تکاپو برای سالی بهتر را تقویت می‌کند. (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۱)

این جشن که طولانی‌ترین جشن در میان اعیاد ملی و مذهبی ایرانیان است از چند روز مانده به سال تحویل آغاز و تا روز سیزدهم ادامه می‌یابد. خانه‌تکانی، سبزه سبز کردن، نوروزخوانی، تهیه پوشاک و وسایل نو، شیرینی‌های خانگی سال نو، آتش‌افروزی، قاشق‌زنی و شال‌اندازی، حنابستن، زیارت اهل قبور و کمک به افراد مستمند از جمله آداب استقبال از نوروز و هفت‌سین، دعای سال تحویل، دید و بازدیدها، غذاهای عید، عیدی دادن و بازی‌ها آداب ایام نوروز و سیزده‌بدر جشن بدرقه آن می‌باشد.

الف) آداب استقبال از نوروز

حدود بیست روز مانده به فرارسیدن نوروز، بوی بهار در کوی و برزن می‌پیچد و سراسر ایران زمین دچار جنب و جوش استقبال از نوروز می‌شود. غبارروبی خانه و کاشانه به نیت دور کردن پلشتی از زندگی، سبزه سبز کردن برای برکت‌دهی به کار و زندگی، نوروزخوانی برای شاد کردن فضا و ایجاد روحیه امید، سرزندگی و نشاط میان مردم، تهیه پوشاک نو برای همراهی با طبیعت و نوشدگی، آتش‌افروزی، قاشق‌زنی و شال‌اندازی برای ایجاد تحرک، جنبش و شادمانی و زیارت اهل قبور برای یادآوری و همراه کردن درگذشتگان با سال نو می‌باشد.

در گذشته‌های نه چندان دور آیین نوروز بسیار گسترده‌تر از امروز برپا می‌گردید؛ به طور مثال آیین‌های نمایشی کوسه‌برنشین، میرنوروزی و آتش‌افروز و غیره از جمله آیین‌های فراموش شده هستند. امروزه هرچند برگزاری مراسم نوروزی همچون گذشته‌ها با شکوه و جلال فراوان همراه نیست اما این قلب تپنده هویت‌بخش ایرانی همچنان زنده است و می‌تپد. خانه‌تکانی، سبزه سبز کردن، نوروزخوانی، تهیه شیرینی‌های خانگی، تهیه پوشاک و وسایل نو، آتش‌افروزی، قاشق‌زنی و شال‌اندازی، حنابستن و زیارت اهل قبور از جمله مراسم استقبال از نوروز می‌باشند که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.



خانه‌تکانی: تمیز کردن محل زیست، سفید کردن و زدودن سیاهی‌ها، دور کردن پلشتی از زندگی، نیک گرداندن اسباب زندگی، شستن ناپاکی‌ها، شکستن کاسه و کوزه‌های سفالین کهنه، تکاندن قالی و قالیچه، نقاشی در دیوار و کاشتن نهال در باغچه همه مفاهیم نوروزگان و بهار و همراهی با طبیعت هستند. این جنبش و تکاپو سرآغاز برگزاری جشنی است که نویدبخش نه ایام عید که نیک‌روزی کل ایام سال است. «خانه‌تکانی و زدودن آلودگی‌ها و پلشتی از فضای خانه و کاشانه در آخر سال

کهنه مظهر و نمادی از رماندن شرارت از محیط زیست و زدودن سیاهی مرگ و کهنگی از خانه و آماده کردن فضایی پاک و پاکیزه در آستانه نوروز است.» (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۵۳)



به طور کلی این نوع نظافت خانه تفاوت عمده‌ای با نظافت عادی داشته و دارد. مردم از روزها قبل با شستن و تمیز کردن خانه و وسایل آن، تعویض و خرید برخی وسایل خانه محیط زندگی را تمیز، تازه و نو می‌کنند و معمولاً پیش از چهارشنبه‌سوری آن را به انجام می‌رسانند.

امروزه خانه‌تکانی ایام عید زنگ آغاز مراسم نوروز است. در گذشته به دلیل ابتدایی بودن محل زیست مردمان این آیین با شرایط خاصی انجام می‌شد که امروزه شاید به جز در مناطق روستایی دیگر شاهد چنین آدابی نباشیم.

در روستاهای آذربایجان با نزدیک شدن عید نوروز، زنان به خانه‌تکانی و آراستن خانه‌ها می‌پرداختند. به این ترتیب که پس از زدودن سیاهی زمستان از دیوارها آنها را با گل رس نقاشی می‌کردند یعنی انگشتانشان را به گل می‌زدند و نقش‌های زیبایی مانند درخت سرو، پرند، گل و خورشید را روی دیوارها به وجود می‌آوردند (بهرامی، تبریز، ۱۳۵۳) یا در آبادی کندر توپسرکان دخترها و زنها دسته‌جمعی به حورتاو «huratâv»

می‌رفتند و خاک چرمه «čarme» یعنی خاک سفید می‌آوردند و دیوارهای خانه را سفید می‌کردند. (جعفری، کندر، ۶۰/۱۱/۵)

سبزه سبز کردن: سبزه سبز کردن، نماد نوزایی و تولد دوباره و مظهری از رستاخیز طبیعت و رویش است. «اسفند ماه، ماه پایانی زمستان، هنگام کاشتن دانه و غله است. کاشتن سبزه عید به صورت نمادین و شگون، در روزگاران کهن، در همه خانه‌ها و در بین همه خانواده‌ها مرسوم بود.» (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۵۵) در گذشته، مردم این سرزمین از راه کشاورزی و کشت گندم، جو و سایر دانه‌های گیاهی گذران می‌کردند بنابراین رشد دانه‌ها را در آغاز سال مظهری از سال زراعی نیک می‌پنداشتند و «با کاشتن دانه‌ها و رویاندن و سبز کردن آنها هم آغاز دوباره کار کشت روی زمین و پروراندن دانه و گیاه را در سال نو تقدیس می‌کردند و هم به دانه‌های کشت شده برای زراعت در سال نو تفأل می‌زدند.» (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۴۹)

البته امروزه اغلب سبزه سبز کردن همچون تهیه سایر اقلام عید از خانه به بیرون منتقل شده و برخی خانواده‌ها به جای سبزه سبز کردن، یکی دو روز مانده به سال تحویل آماده آن را خریداری می‌کنند اما در گذشته این رسم با آداب زیبایی همراه بود که هر کدام نشانه و نماد یک مفهوم عمیق به شمار می‌رفت. دانه‌هایی که انتخاب می‌شدند، کوزه‌های گلی که بر آنها دانه‌ها را سبز می‌کردند، دعا‌هایی که هنگام خیساندن می‌خواندند همگی مجموعه‌ای از نشانه‌های پیوند انسان و زمین و طبیعت بود. مثلاً مردم اردکان دو یا سه «کوزه» تهیه می‌کردند و کوزه‌ها را آب‌خوار می‌کردند و به اندازه دور کوزه کرباس خیس کرده به دور کوزه می‌چسبانند سپس تخم تره‌تیزک را که از قبل خیس کرده بودند به روی کرباس می‌چسبانند. بعد کوزه را در مقابل «آینه» می‌گذاشتند تا سبز می‌شود. (رجبی زاده اردکانی، اردکان، ۴۶/۱۲/۹) یا در شیراز، سبز کردن گندم، عدس، تره‌تیزک را تقریباً پانزده روز به عید مانده انجام می‌دادند و برای این کار از «ظرف مسی» استفاده می‌کردند و مقداری دانه به سلامتی امام زمان (عج) می‌ریختند و بعد از آن، به ترتیب، نام اعضای خانواده را می‌آوردند. سبزه‌ها معمولاً با تزئینات متنوعی همراه بود مثلاً برای زیباتر شدن سبزه‌ها، قطعات کوچک پارچه را سوراخ می‌کردند و برگ و ساقه‌ها را از میان آن می‌گذراندند. (هنری، ۱۳۵۳: ۵۲)

نوروزخوانی: نوروزخوانان یا پیک‌های نوروزی از جمله گروه‌هایی بودند که آمدن نوروز و بهار را نوید می‌دادند. آنان، با پوشش‌های مخصوصی در کوچه و بازار به راه می‌افتادند و با خواندن اشعار نوروزی حال و هوای بهاری به روزهای پایانی زمستان می‌بخشیدند. شاید مشهورترین پیک نوروزی، حاجی‌فیروز بود که با پوشاک سرخ، چهره سیاه، دایره زنگی و ترانه‌های ویژه‌اش نوروز را به یاد مردمان می‌آورد. این چهره (سیاه) در واقع نماد زمستان با همه پلشتی‌ها و سختی‌هایش بود و حضور همراه با شادیش نشانه وداع زمستان و خوشامدگویی به بهار، سپیدی و شادی بود. «نوروزخوانی از دیرباز در بیشتر نقاط ایران بویژه گیلان و مازندران و آذربایجان و فارس سیار رواج داشت. در ترانه‌های نوروزخوانان گیلان برخی از پدیده‌های طبیعی مانند مهر و نور و خاک و باد و زمین که نزد ایرانیان جنبه تقدس داشت با معتقدات مذهبی شیعه درمی‌آمیخت. برخی از این ترانه‌ها با یاد «دوازده امام» شیعیان آغاز و با وصف «نوروز» و «نو سال» پایان می‌یافت. (بلوکباشی، پیشین: ۴۶)

پیک‌های نوروزی در مناطق مختلف ایران نام‌های متفاوتی داشتند اما کار آنها شادکردن مردم از طریق خواندن اشعار نوروزی و حرکات موزون بود. امروزه حضور پیک‌های نوروزی بسیار کم‌رنگ شده و تنها در برخی مناطق این مراسم زیبا به صورت نمادین اجرا می‌شود. از جمله نوروزخوانی‌های گیلانی ترانه آهوچره، راه و چره بود:



âhu çare râho çare

mi âhu râh râh miçare

آهو چره، راه و چره

آهو می‌چرد، راه را می‌چرد

می‌آهو راه راه می‌چره

آهوی من در راه‌ها می‌چرد

bebin čaqad xub mičare	ببین چقد خوب می چره
	ببین چقدر خوب می چرد
jyr mičare jâr mičare	جیر می چره، جار می چره
	پایین می چرد، بالا می چرد
ay xuna xâh tar baxudâ	ای خونه خواه تر بخودا
	ای صاحب‌خانه تو را به خدا
ti xuna ji birun biyâ	تی خونه جی بیرون بیا
	از خانه‌ات بیا بیرون
tamâšâ kun mi âhu ra	تماشا کون می آهور
	تماشا بکن آهوی مرا

(مظفری، سیاهکل، ۵۰/۱۱/۲۵)

تهیه پوشاک و وسایل نو: خانواده‌ها سعی می‌کنند برای ایام عید رخت نو تهیه نمایند. حتی کسانی که شرایط اقتصادی مناسبی ندارند برای این ایام حداقل یک تکه لباس نو برای اعضای خانواده خریداری می‌کنند. تعویض برخی اسباب و لوازم خانه یا تعمیر و رنگ کردن اسباب قدیمی از جمله کارهایی است که در این ایام انجام می‌گیرد. این آداب در تمام نقاط کشور تقریباً با ویژگی‌های یکسان و با توجه به شرایط اقتصادی افراد انجام می‌شود. در واقع، نو شدن رخت و اسباب پیروی از نوشدگی طبیعت است یعنی با آمدن بهار درختان جامه نو بر تن می‌کنند و نو کردن لباس و اثاث منزل نوعی دعوت به شادمانی و آرامش است.

شیرینی‌های خانگی سال نو: به طور کلی کمتر آیینی را می‌توان یافت که در آن همراهی شیرینی یا غذا وجود نداشته باشد. برخی معتقدند آیین‌هایی در طول زمان پایایی پیدا کرده‌اند که در آنها خوراکی جزئی از مراسم بوده است. در آیین نوروز هم شیرینی جزئی از مراسم به شمار می‌رود چنان‌که هنگام تحویل سال به عنوان شیرین‌کام بودن در طول سال شیرینی و نقل صرف می‌شود. همچنین هنگام دید و بازدیدها حتماً از مهمانان با شیرینی پذیرایی می‌شود. در گذشته که قنادی وجود نداشت مردم مجبور بودند شیرینی‌های ایام عید را خودشان تهیه کنند و از این رو چند روز مانده به عید

شروع به پخت انواع شیرینی می کردند. «سمنو» از معروف ترین شیرینی جات ایام عید در گذشته بود که به شکل های مختلفی مانند حلوا یا کاجی یا نان نازک در می آوردند. همچنین انواع حلوا مانند حلوا برنجی و کلوچه های مختلف هم از شیرینی های ایام عید بود. البته در مناطق مختلف ایران شیرینی های گوناگونی تهیه می شد که مواد اولیه آنها بستگی به محصولات کشاورزی آن مناطق داشت. مثلاً در رهن نطنز، توتک «tutak» (آرد، شیر یا شیره انگور) (هاشمی رهنی، نطنز، ۴۶/۱۲/۲۴) در دماوند، حلوای برنجی (اشرفی، دماوند، ۴۸/۴/۱۲) در زنجان، اگیردک «agirdak» (تخم مرغ، آردبرنج، هل، شکر، گلاب) (درخشان، زنجان، ۵۰/۱۱/۲۹) در استهبان، گرده اسفناجی، نان لمو «lamu»، نان شیرین تخمی^۱ و کماچ می پختند. (شکرریز، استهبان، ۵۳/۲/۴)

آتش افروزی: آتش از زمانی که شناخته شد در نظر ایرانیان عزیز و محترم بوده



است. ایرانیان باستان نور را مظهر ایزدی می دانستند و خورشید و آتش را به دلیل آن که منبع نور و روشنایی و گرما بودند گرامی می داشتند. در واقع آتش جایگاه خاصی داشت و به همین دلیل هم در جشن نوروز آتش افروزی یکی از آیین های تکمیل کننده این جشن بود. ایرانیان باستان معتقد

بودند که آنچه انسان را برتر می سازد، خرد انسان است و نماد زمینی خرد را آتش می دانستند. به عبارت دیگر، آتش بیان نمادین آفرینش خرد بشری بود و با آتش، آفرینش کامل شده بود. (بهرامی، پیشین، ۱۰۶)

گرما بخشی و روشنایی هم دو کارکرد مهم آتش بودند که هر دو این ویژگی ها نقش

۱. یک نوع نان شیرینی است که دانه های مثل خشخاش، کنجد یا مغز گردو و شملیز (شنبلبله) بو داده و سرخ کرده به آن می زدند.

اساسی در زندگی مردمان باستان ایفا می‌کرد بنابراین روشن کردن آتش و شادی کردن در کنار آن از آداب متداول گذشتگان بوده است. چهارشنبه‌سوری و سنت پریدن از روی آتش یکی از این آداب بود که در میان مردمان این سرزمین از گذشته‌های دور متداول بود و امروزه نیز با تغییراتی هنوز پابرجاست. علاوه بر چهارشنبه‌سوری در اغلب مناطق روستایی کشور قبل از تحویل سال و همزمان با تاریک شدن هوا بوته‌ها را در کوچه‌ها یا پشت‌بام‌ها آتش می‌زدند و در کنار آن به شادی می‌پرداختند. در واقع آتش‌افروزی در میان تمام اقوام این سرزمین، نشانه پیروزی، سرور و شادمانی بود.

قاشق‌زنی و شال‌اندازی: قاشق‌زنی و شال‌اندازی از جمله مراسمی بودند که بیشتر در چهارشنبه‌سوری رواج داشت اما اسناد نشان می‌دهند که در برخی مناطق روستایی چند روز قبل از عید یا شب عید هم این مراسم انجام می‌گرفت. قاشق‌زنی برای جوانان بیشتر جنبه تفنن و بازی داشت اما زنان برای «مرادخواهی» به این کار دست می‌زدند. شال‌اندازی هم با تفاوت‌هایی در نام و اشعار تقریباً در همه نقاط به یک صورت انجام می‌گرفت.

مثلاً در قلعه‌بهمن فریدن این مراسم توتو «toto» (صدای مرغ) نام داشت؛ کودکی دستمالی تهیه می‌کرد و به سر آن طنابی می‌بست و در پشت بام‌های ده به راه می‌افتاد، به بام خانه هر کس که می‌رسید، این طناب را که دستمال به سر آن بسته بود، از دریچه خانه آویزان می‌کرد و می‌گفت: «توتوتو». صاحب‌خانه چیزی درون دستمال قرار می‌داد و آن را گره می‌زد سپس طناب را بالا می‌کشید و نگاه می‌کرد اگر چیزی که در دستمال بود باب طبع نبود باز طناب را پایین می‌انداخت و «توتوتو» را سر می‌داد و تا وقتی منظور اصلی خود را به دست بیاورد، این کار را ادامه می‌داد. البته اطفال به تخم‌مرغ بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دادند. (جنگرودی، قلعه‌بهمن، ۴۷/۱۲/۲۲)

حنابستن: رنگین کردن که اقتباسی از رنگین شدن طبیعت در ایام بهار بود که در گذشته‌ها در حنابستن جلوه‌گر شده بود. در گذشته حنابستن یا خضاب دست و پای زنان، دست مردان و ریش پیرمردان در ایام شادمانی بسیار معمول بود و آن را خوش‌یمن می‌دانستند. معمولاً کسانی که سوگوار بودند از گذاشتن حنا خودداری

می‌کردند مگر این که دوستان و آشنایان آنها را از عزا بیرون می‌آوردند. امروزه حنا بستن تنها در روستاهای بسیار سنتی انجام می‌گیرد.

زیارت اهل قبور: بر سر مزار رفتن، خواندن قرآن، فاتحه، دعا و دادن نذری جهت شادی روح درگذشتگان از جمله کارهایی است که امروزه در آخرین پنجشنبه سال انجام می‌گیرد. یادآوری درگذشتگان و خیرات برای آنان سهمیم کردن آنها در شادی‌های بزرگ ایام عید است.

مثلاً در مناطق شمالی ایران بر مزار مردگان «سو» می‌نهادند یعنی مشعل می‌افروختند. همچنین، غذا و شیربرنج پخته به فقرا می‌دادند، به زیارتگاه‌ها می‌رفتند و برای آمرزش درگذشتگان‌شان دعا می‌کردند.

در بین مردم ایبانه، روز پیش از عید نوروز را، روز عرفه می‌نامند. در این روز خانواده‌هایی که در طول سال، فردی از آنها فوت می‌شد غذایی به نام «کاشکاو» می‌پختند و میان اهالی تقسیم می‌کردند. (نظری داشلی برون، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

کمک به افراد مستمند: در ایام عید که همه مردمان به فکر نو کردن زندگی خود و شادمانی هستند، افراد مستمندی در جامعه وجود دارند که امکان خرید برای ایام عید را ندارند. در این عید بزرگ که همه باید شاد باشند مردمان به کمک یکدیگر می‌شتابند و هر کس به قدر وسع خود به نیازمندان یاری می‌رساند. فرهنگ کمک به مستمندان از گذشته‌های دور در این سرزمین رواج داشته است.

ب) آیین‌های نوروزی

نوروز، آیینی نمادین و کهن‌ترین جشنی است که از قرون گذشته تا کنون تمامی نسل‌های ایران‌زمین را فراتر از محدوده‌های قومی، مذهبی، زمانی و مکانی به یکدیگر پیوند داده و با بنیان و اساس گران‌سنگ و غنی و آیین و رسوم خاص خود که سرشار از رمز و راز و کنایه و اسطوره است به گلوگاهی در فرهنگ ایرانی بدل کرده است.

نوروز به معنای روز نوست و این کنایتی است از آغاز یک زندگی جدید، بارش باران‌های بهاری، برآمدن شکوفه‌ها و برگ آوردن درختان و طولانی شدن روزها و

ساعات روشنایی، پس نوروز زمان پیدایش و آفرینش جهان بوده است و برای بزرگداشت چنین واقعه پر عظمتی باید خوانی گسترده شود که حضورش در خانه‌ها بتواند به تنهایی تمام آداب این روز را نمایش دهد. خوان رازآمیزی که در کنه هر کدام از اجزایش دنیایی مفهوم و رمز و راز نهفته است.

«هفت‌سین» رازآمیز: در بین آیین‌های نوروزی، «هفت‌سین» رازآمیزترین آداب را داراست؛ در پس هر «سین» راز و رمزهایی نهفته و عدد «هفت» هم عددی مقدس است، بنابراین قرار گرفتن عدد هفت با سین‌های نوروزی ترکیب پیچیده‌ای با تعبیرهای مختلف به وجود آورده است. عده‌ای منظور از «هفت‌سین» را به «هفت‌سپتته» یا «هفت‌مقدس» تعبیر کرده‌اند و می‌گویند هفت مقدس همان هفت فرشته ایزدی بود و هفت‌سین به یمن آن هفت فرشته در سفره نوروزی گنجانده شده بود.

عده‌ای نیز بر این باورند که «هفت‌سین»، نخست «هفت‌شین» بود که بعدها تغییر یافت؛ شمع، شیرینی، شهد عسل، شمشاد، شربت و شقایق یا شاخه نبات اجزای تشکیل دهنده سفره «هفت‌شین» بودند که بعدها به علل مختلفی تبدیل به «هفت‌سین» شد. امروزه آنچه به عنوان سفره هفت‌سین از آن نام برده می‌شود عبارت است از: سیب، سرکه، سنجد، سمنو، سیر، سماق، سبزه که در کنار کلام‌الله، آینه، ماهی، تخم‌مرغ رنگ کرده، سنبل، کاسه آب، نقل و نبات و شیرینی به سفره هفت‌سین رنگ و بوی نوروزی می‌دهند.

هر کدام از سین‌های این سفره باستانی نماد مفهوم‌های متعددی هستند: سیب؛ نماد زیبایی و تندرستی، سیر؛ نماد فراوانی و سیر بودن، سمنو؛ نماد برکت و زمین، سنجد؛ نماد عشق، سرکه؛ نماد شکیبایی، عمر زیاد، اصالت‌بخشی و دارایی، سبزه؛ نماد سرزندگی، رشد و تولد دوباره و سماق؛ نماد معنای زندگی، طلوع خورشید و سرزندگی است. البته سپند و سنبل هم از سین‌های دیگر سفره هفت‌سین هستند که اولی برای دور کردن چشم‌زخم و دومی برای زیبایی و حیات در سفره جای می‌گیرند. علاوه بر سین‌ها، قرآن به عنوان کلام خداوند و برای تقدس بخشیدن به سال جدید،

دیوان حافظ برای تفأل زدن، آینه که نشانه جهان بی‌پایان و بارگاه یزدان است به عنوان پاکی، شمع که نماد آتش است برای روشنایی، نان برای برکت‌بخشی، تخم‌مرغ که نشانه آفرینش آدمی است برای حیات‌بخشی، ماهی که نشانه روزی حلال است برای حیات‌بخشی و جنبش و حرکت، آب برای زلالیت، شیرینی برای شیرین‌کامی، سکه برای افزونی مال و دارایی و گلاب به عنوان عصاره طبیعت و خوش عطری در سفره قرار داده می‌شود. البته در مناطق مختلف کشور بویژه در گذشته‌ها موارد دیگری هم گذاشته می‌شد که تابعی از ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی آن منطقه بود مثلاً در شهرکرد نقل، نان‌قندی، گندم بو داده، شاه‌دانه، یک جلد کلام الله مجید، آینه، سبزه، مقداری آجیل، سمنو، کوفته شب علفاً^۱ و چراغ روشن می‌گذاشتند (آقابابایی، شهرکرد، ۵۱/۱/۱۱) یا در قریه آورگان چقاخور بروجن، مقداری کشمش و سنجد را بر شاخه‌های بوته خار می‌زدند و به شکل یک درخت زیبا در می‌آوردند و در گلدانی میان سفره هفت‌سین می‌گذاشتند و اطراف آن شیرینی، پرتقال، گردو، بادام، آرد، آب، تخم‌مرغ رنگ‌کرده، آینه، شانه، سرمه‌دان، سبزی، سکه، سمنو، پیاز سبز و گل‌های مصنوعی می‌چیدند. (علایی آوردگانی، بروجن، ۵۳/۱۲/۲۹)

در شهرهای کازرون و ممسنی استان فارس قبل از تحویل سال، اهالی کازرون میان اتاق «سفره عید» را پهن می‌کردند؛ یک جلد قرآن، یک آینه، چند شمع، حنای خیسانده، نان، شیرینی، انواع سبزی‌های خوردنی مانند کاهو، سبزی، شوید، اسفناج و غیره، سمنی «samni» یا سمنو، شیربرنج، تخم‌مرغ رنگ‌کرده، سبزه، میوه انار و مدنی «madani» یا لیموشیرین و پرتقال، مرغ پرکنده و خام و رنگینک «ranginak» نیز می‌گذاشتند. (مظلوم‌زاده، کازرون، ۵۲/۱۱/۱۵)

در ارومیه این سفره را «سفره تحویل» می‌گفتند و دوازده سین داشت که عبارت بود

۱. همان شب عرفه یا شب الفه است به معنی شب قبل از سال نو

از سبزه، ساعت، سکه، سمنو، سرکه، سماق، سیر، سنجد، سجوق، سیب، سنبل و سنگک همچنین آینه، قرآن، شمع، تخم‌مرغ رنگی، شیرینی، آجیل، ماهی قرمز، مقداری لپه، بلغور و برنج را برای خیر و برکت می‌گذاشتند. بعد از تحویل سال این سفره را جمع می‌کردند و «سفره شیچره» باز می‌کردند و توی این سفره، شیرینی، تخمه، سجوق، خرما، انجیر، نقل، حلوا، خربزه و سیب می‌گذاشتند. این سفره تا پایان عید پهن می‌ماند و وقتی کسی برای عیددیدنی می‌آمد سر همان سفره می‌بردند و بعد از رفتن میهمان روی سفره را با پارچه تمیزی می‌پوشاندند و به بچه‌ها تخم‌مرغ رنگی یا یک سکه عیدی می‌دادند. (یوسفزاده، ارومیه، ۵۰/۱۱/۱۸)

در واقع سفره هفت‌سین از آن جهت اهمیت داشت که اعضای خانواده را بر سر سفره گرد می‌آورد و می‌نشاند. بنابراین خوان نوروزی نقش مهم و برجسته‌ای را در ایجاد وحدت و وفاق و همبستگی میان اعضای خانواده ایفا می‌کرد و هنوز هم می‌نماید. (بلوکباشی، پیشین: ۷۱)

دعای تحویل سال

یا مقلب القلوب و الابصار

یا مدبر اللیل والنهار

یا محول الحول و الاحوال

حول حالنا الی احسن الحال

در طلوعه سال نو و آغازین لحظه‌های سال جدید، دعای روح‌بخش تحویل سال نو با فرازهای نورانی فضا را معطر می‌کنند. این دعای کوتاه سرشار از معارف بلندی است که چونان چشمه زلال بر بستر معنا جاری می‌گردد و جهانی از اسرار را جلوه‌گر می‌سازد. تحول در قلب و بصیرت، تدبیر روز و شب و نیل به نیکوترین حال‌ها بهترین دعا در حق هر فردی است.

بعد از خواندن این دعا به طور رسمی سال جدید آغاز می‌شود و تمام اعضای خانواده که در کنار سفره نشسته‌اند برای خود و یکدیگر بهترین‌ها را در سال جدید آرزو می‌کنند.



دید و بازدیدها: یکی از مراسم مهم ایام عید دید و بازدید و صلح ارحام است. در این مدت دیدارها تازه می‌شوند و آشنایان با شادمانی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. امروزه این رسم به دلیل مشغله فراوان مردم یکی از ضروریات شده است زیرا ممکن است افراد در طول یک سال همدیگر را نبینند اما ایام عید فرصتی را در اختیارشان قرار می‌دهد تا دیدارها را تازه کنند و از احوال هم باخبر گردند.

معمولاً در این دیدارها جملاتی مانند «عید شما مبارک»، «صد سال به این سال‌ها»، «زیر سایه مولا علی» و «زیر سایه امام رضا» بسیار متداول است و اغلب برای گفتن این جملات از هم پیشی می‌گیرند.

غذاهای عید: غذاها همچنان که پیشتر آمد از سنت‌های ماندگار این آیین باستانی است. در واقع هر اقلیم و منطقه‌ای بویژه در گذشته غذاهای مختص خود را در این ایام تهیه و تدارک می‌دید که با فرآورده‌های آن منطقه هماهنگی داشت و در عین حال بهترین و کمیاب‌ترین غذای منطقه هم بود. اما امروزه با گسترش و نفوذ رسانه‌های

جمعی اغلب در همه نقاط کشور برای شب عید، سبزی پلو ماهی و روز عید رشته پلو یا آش رشته طبخ می‌کنند.

اما در گذشته‌ها مثلاً کوفته و دلمه (زاهدی، سیه چشمه، ۴۹/۲/۲۲)، لیچار (چغندر و کشک) (جگری‌زاده، بیرجند، ۴۶/۹/۱۵)، مرغ و برنج (سبزیکار، شوشتر، ۵۰/۱۲/۱۴)، مکو (نوعی سبزی) پلو و خورش اسفناج (مؤیدمحسنی، سیرجان، بی‌تا) از جمله غذاهای محلی روز عید بود.

عیدی دادن: شاید ریشه هدیه دادن در این ایام به روزگاران برسد که پادشاهان پیشنهادی هدیه گرفتن و هدیه دادن را در این روز رواج دادند و این سنت در طول قرن‌ها تبدیل به عیدی دادن شد. مهربانی و ابراز آن در قالب هدیه سنت نیکویی است که باعث شادمانی و صمیمیت بیشتر می‌شود. عیدی دادن بزرگ‌ترها به کوچکترها، عیدی برای آنها که تازه به خانه بخت رفته‌اند و دادن تخم‌مرغ رنگی به کودکان از جمله مراسم و آدابی بود که در این ایام رواج داشت.



بازی‌ها: از دیگر آیین‌های ویژه نوروز، بازی‌ها و نمایش‌های مخصوص نوروز بود. این بازی‌ها و نمایش‌ها در مجموعه‌ای از رفتارهای آیینی - نمادی قرار می‌گرفتند که علاوه بر شادی‌آفرینی و سرگرم کردن مردم، پیوندی تمثیلی با گردش سال و دوره فروپاشی موقت نظم و سامان زندگی داشتند. (بلوکباشی، پیشین: ۸۳)

مثلاً در روز عید جوان‌های ده حسن‌آباد

اصفهان از صبح تا ظهر در محلی به نام گودال پاچال گرد هم می‌آمدند و تخم‌مرغ جنگی بازی می‌کردند. بدین ترتیب که دو نفر، هر کدام یک تخم‌مرغ در دست می‌گرفتند ابتدا قرعه می‌کشیدند، به نام هر کدام که قرعه می‌افتاد باید تخم‌مرغ را در دست نگه می‌داشتند و فرد مقابل با تخم‌مرغ به آن می‌زد. تخم‌مرغ هر کس که می‌شکست بازنده می‌شد. این بازی تا هنگام ظهر ادامه پیدا می‌کرد. (صادقی، حسن‌آباد، ۵۶/۱۲/۱۶)

در برآباد سبزوار در ایام نوروز در بین دخترها مراسم کشتی گرفتن مرسوم بود.

معمولاً دخترانی که اندام ورزیده و قوی داشتند در این بازی شرکت می‌کردند و هر کدام که موفق می‌شد پشت حریف را به خاک برساند لقب «یقور مشت» یعنی دختر سرکش و چابک را به خود اختصاص می‌داد. (برآبادی، سیزوار، ۴۷/۱۰/۱۲)

پ) سیزده بدر؛ جشن بدرقه نوروز

سیزده بدر یا جشن بدرقه نوروز در سیزدهمین روز فروردین ماه خود مجموعه دیگری از آداب نوروزی است. تدارک غذا، رفتن به دشت، گره زدن سبزه، بازی‌ها، دیدار مجدد خانواده‌ها، در کنار هم بودن و شادی کردن از جمله مراسم این روز است. دعا و آرزوی نیک‌بختی کردن و سپردن آن به آب روان و سبزه‌های سبز طبیعت



چشم‌انداز امیدواری در سال جدید است. در واقع جلوه این جشن آروزی سال جدید است با دور کردن ناخجستگی و ناراحتی و خواندن خوشی و شادی. از گذشته‌های دور مردم عدد سیزده را ناخجسته می‌دانستند بنابراین برای از بین بردن ناخجستگی اولین سیزده سال، آن روز را در دشت‌ها

می‌گذراندند. در گذشته مراسم سیزده بدر را بسیار مفصل و با شکوه خاص برگزار می‌کردند و اغلب بازی و نمایش‌های آیینی خاصی هم در این روز در میان مردم انجام می‌گرفت. امروزه با دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تغییراتی در چگونگی برگزاری این مراسم بوجود آمده اما همچنان گذراندن این روز در دشت و طبیعت و دور از خانه پابرجا مانده است. مثلاً در ساری عصر روز سیزده بدر و هنگام بازگشت به خانه افراد کنار سبزه‌ها می‌نشستند و نیت می‌کردند و سبزه‌ها را گره می‌زدند به امید آن که آرزویشان تا سال دیگر برآورده شود (بهارى ساروى، سارى، ۴۹/۱۰/۲۷) یا در طالش در روز سیزده بدر مرسوم بود که بعد از صرف صبحانه خانواده‌ها یک دیگ

بزرگ مرغ و فسنگان و کوکو سبزی را برای نهار روز سیزده‌بدر درست می‌کردند و به طرف رودخانه محل به راه می‌افتادند. وقتی کنار رودخانه می‌رسیدند هر یک سنگی را به درون رودخانه پرتاب می‌کردند و بعد از آن دسته‌جمعی به زیارتگاه آبادی می‌رفتند و شمع روشن می‌کردند و دعا می‌کردند تا آرزویشان برآورده شود. (عباس‌زاده، طالش، ۵۴/۱/۱۰)

بسیاری از رفتارها و آیین‌های مربوط به سیزده‌بدر صورت تمثیلی و نمادین داشتند. مثلاً خود این مراسم را روز ویژه طلب باران برای کشتزارها معنا کرده‌اند یا گره زدن سبزه را در روزهای پایانی آفرینش جهان تمثیلی از پیوند برای پایداری نسل بشر تفسیر نموده‌اند یا رسم بازی‌های برد و باختی یا نمایش‌های پهلوانی را هم نشانه‌ای از پیروزی ایزد باران بر دیو خشک سالی پنداشته‌اند.

جمع‌بندی

نوروز، سنتی دیرآشنا و شکل‌دهنده قاعده هویت ایرانی است. این آیین، نماد ملی، سرزمینی، دینی، اعتقادی و اجتماعی «مای» ایرانی است که هیچ کس را یارای گسست آن نیست. ماندگاری چند هزارساله نوروز هم هیچ‌گاه تابعی از تغییرات شگرف محیطی، اعتقادی و حتی سلسله‌های حکمرانی مختلف نبوده بلکه نوعی همگونی با زیست فرهنگی مردمان این سرزمین از هر طیف و طبقه اجتماعی بوده است. نوروز، پاسداشت سنت احترام به باورهایی است که گذشتگان با آن زندگی کرده‌اند و هرچند تحولاتی با توجه به شرایط و موقعیت‌ها در آن صورت گرفته اما چارچوب کار تداوم یافته است. در واقع، انسان ایرانی، با نوروز گذشته‌اش را پاس داشته و آینده‌اش را تضمین کرده است.

نوروز، علاوه بر وجه ملی، آیینی و اجتماعی ویژگی خانوادگی هم دارد؛ تمام مراسم این آیین به جز سیزده‌بدر در محلی به نام «خانه» انجام می‌گیرد و «بانوان» در کانون آن قرار دارند. خانه‌تکانی، سبزه سبز کردن، تهیه شیرینی‌های خانگی، خرید ویژه عید، چیدن سفره هفت‌سین، تدارک غذاهای ایام عید مجموعه آمادگی‌ها برای دید و بازدیدها از جمله فعالیت‌های بانوان ایرانی برای هرچه زیباتر برگزار شدن این آیین است.

جشن نوروز که از نظر زمانی طولانی‌ترین جشن ایرانیان است با بدرقه سیزده‌بدر پایان می‌یابد؛ از خانه شروع می‌شود و در دل طبیعت، در زیباترین زمان ممکن و در کنار یکدیگر به انتها می‌رسد و سالی جدید با خاطراتی دل‌انگیز آغاز می‌شود. پس در یک کلام نوروز، آیینی ریشه‌دار، ایرانی، هویتی، اجتماعی و خانوادگی است و شادبودن و شادزیستن را در آغاز سال جدید یادآور می‌شود و نکته‌های شادزیستن را در مراسم ویژه این آیین گام به گام می‌آموزد.

پاک کردن محل زیست، زدودن ناپاکی‌ها و دور کردن پلشتی از زندگی، نیک کردن اسباب و لوازم خانه، سبزه سبز کردن، نوروزخوانی، پختن و تدارک شیرینی و غذا جزئی از این آیین است تا پایایی آن را در طول سال نشان دهد و شیرین‌کامی را یادآور شود.

سفره هفت‌سین، دعای تحویل سال، دید و بازدیدها، عیدی‌ها و بازی‌ها و جشن سیزده‌بدر هم مفاهیم ژرف زندگی هستند که هر انسان خردمندی را در مقابل این همه مفهوم به تأمل وامی‌دارد و بار دیگر امکان رستاخیز را به انسان یادآور می‌شود.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. بلوکباشی، علی (۱۳۸۱) نوروز؛ جشن نوزایی آفرینش، چ ۳، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. بهرامی، عسکر (۱۳۸۳) جشن‌های ایرانیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶) آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: نشر آگه.
۴. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۹) تاریخ نوروز و گاهشماری ایران، تهران: انتشارات در.
۵. گرکانی، امیرفریدون (۱۳۷۹) گاهنامه روز یکم فروردین نوروز، تهران: سروش.
۶. نظری داشلی برون، زلیخا و دیگران (۱۳۸۴) مردم‌شناسی روستای ایبانه، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۷. الف: هنری، مرتضی (۱۳۵۳) آیین‌های نوروزی، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
۸. ب: هنری، مرتضی (۱۳۵۳) نوروزگان، گفتارها و سرودهایی در آیین‌های نوروزی، تهران: انتشارات سروا.

ب) فرهنگیان

۱. اشرفی، حبیب‌الله، دماوند، تهران، ۴۸/۴/۱۲
۲. آقابابایی، علیمرد، شهرکرد، چهارم‌حال و بختیاری، ۵۱/۱/۱۱
۳. برآبادی، سیدمحمود، سبزوار، خراسان، ۴۷/۱۰/۱۲
۴. بهاری ساروی، سیدحسین (روایت از اشرف‌السادات محمددخت) ساری، مازندران، ۴۹/۱۰/۲۷
۵. بهرامی، مجید، تبریز، آذربایجان شرقی، ۱۳۵۳
۶. جعفری، حمید، کندر، تویسرکان، همدان، ۶۰/۱۱/۵

۷. جگری زاده، محمد، بیرجند، خراسان، ۴۶/۹/۱۵
۸. جنگرودی، صفرعلی، قعله بهمین، فریدن، اصفهان، ۴۷/۱۲/۲۲
۹. درخشان، سیروس، زنجان، ۵۰/۱۱/۲۹
۱۰. رجیبی زاده اردکانی، جواد، اردکان، یزد، ۴۶/۱۲/۹
۱۱. زاهدی، محمد، سیه چشمه، آذربایجان غربی، ۴۹/۲/۲۲
۱۲. سبزیکار، عبدالله، شوشتر، خوزستان، ۵۰/۱۲/۱۴
۱۳. شکرریز، استهبان، فارس، ۵۳/۲/۴
۱۴. صادقی، مجید، حسن آباد، اصفهان، ۵۶/۱۲/۱۶
۱۵. عباس زاده، جواد، طالش، گیلان، ۵۴/۱/۱۰
۱۶. علایی آوردگانی، جعفر، آوردگان، بروجن، چهارمحال و بختیاری، ۵۳/۱۲/۲۹
۱۷. مؤید محسنی، مهری (به نقل از معصومه سیرجانی) سیرجان، کرمان، ۴۹/۵/۲۶
۱۸. مظفری، محمدولی (به نقل از امیر هوشنگ تقوی) سیاهکل، گیلان، ۵۰/۱۱/۲۵
۱۹. مظلوم زاده، محمدمهدی، کازرون، فارس، ۵۲/۱۱/۱۵
۲۰. هاشمی رهنی، سید محمود، رهن، نطنز، اصفهان، ۴۶/۱۲/۲۴
۲۱. یوسف زاده، یوسف، ارومیه، آذربایجان غربی، ۵۰/۱۱/۱۸